

تحولات اساسی حقوق کیفری افغانستان با تصویب کد جزا

صفحات ۲۷-۷

محمدعلی رضایی^۱

چکیده

قانون جزا در کل از نظم جامعه بحث می‌کند و چون با حیات، آزادی و حیثیت اعضای جامعه در ارتباط مستقیم است بناءً اهمیت آن فوق العاده است باید دقت لازم در مورد تصویب، اجرا و تفسیر آن صورت گیرد. بدین ملحوظ قانون جزای قبلی افغانستان حدود چهل و یک سال قبل از امروز تصویب شده بود تا هنوز قابل اجرا بود که در عصر خود یکی از قوانین کم نظیر بود، اما با گذر زمان و با تغییر جامعه خواست‌ها و نیازها تغییر نموده و نیز جرایم جدید بروز می‌کند که نظم جامعه را تحدید نماید. مجازات‌های متناسب به نیازهای موجود جامعه باید در نظر گرفته شود. برای اینکه قانون متناسب و پاسخگو نیازهای جامعه باشد لازم است پا به پای جامعه قانون تغییر نماید. جدیداً کد جزا افغانستان نشر و به مرحله اجرا سپرده شد در این مقاله سعی کرده‌ایم تا مشخص نماییم با تصویب کد جزا تحول در حقوق کیفری افغانستان رو نما شده و اجرای آن نظم جامعه را تأمین خواهد کرد.

واژگان کلیدی:

تحولات اساسی، حقوق کیفری، کد جزا



مقدمه

در عصر کنونی برای شکل‌گیری، نظم و بقای دولت‌ها قانونگذاری و اجرای قوانین نافذ از اهمیت بنیادین و حیاتی برخوردار بوده و یک رکن اساسی دولت داری را تشکیل می‌دهد. امروزه در جوامع مردم سالار معمولاً قانون محور تمام مباحث حکومت داری را تشکیل می‌دهد، قانون معیار و اساس نظام‌ها قرار می‌گیرد و بر اساس قانون نظام‌های سیاسی شکل می‌گیرد و مردم از نظام‌های مبتنی بر قانون حمایت لازم می‌نمایند و الی قدرت که بر خلاف قانون در جامعه حکومت کند چون بر مبنی خواست و اراده مردم نیست بقا نخواهد داشت.

البته در مورد اینکه برای اولین بار چه وقت در افغانستان قانون تصویب شده نظرات مختلف وجود دارد عده باورمند است که در زمان امیر شیر علی خان قانون تصویب شده عده سالهای دیگر را ولی بصورت ملموس آنچه مستند به آن می‌توان ادعا نموده بعد از به قدرت رسیدن غازی امان الله خان و تغییر نظام سیاسی از پادشاهی مطلق به پادشاهی مشروط است اولین قانون اساسی نیز در زمان زمامداری او در سال ۱۳۰۲ ه.ش تحت عنوان نظام نامه علیه افغانستان به تصویب رسید بر این اساس نظام پادشاهی مشروط بر مبنی همین قانون در افغانستان پایه گذاری شد و به تعقیب آن قوانین دیگری نیز به تصویب رسید که در جای خود آن که پیشینه قانون جزا باشد بصورت مفصل بحث خواهد شد.

بعد از قانون اساسی قوانین دیگر هر کدام کاربرد خاص خود را دارد ولی قانون جزا اهمیت بیشتر حیاتی نسبت به دیگر قوانین دارد موضوع قانون جزا آبرو، حیثیت، آزادی، حیات انسان و از همه مهمتر نظم جامعه است. اتخاذ تصمیم و اجرای آن بر اساس قانون جزا غیر قابل بازگشت است برای اینکه شهروندان جامعه مصئون باشد و احساس آرامش ذهنی و عینی به آنان فراهم شود لازم است دقت کافی در مورد این قانون خواه وضع، اجرا و رسیدگی باشد صورت گیرد. این قانون به گونه ای جامع و مانع باشد تمام اعمالی که هنجارهای جامعه را نقض می‌کند جرم انگاری شود و از جانب دیگر موارد که به عنوان صدمه و آسیب به نظم اجتماعی محسوب نمی‌شود جرم زدایی شود. از جانب دیگر جامعه در حال تغییر است برای اینکه قانون با وصف متذکره داشته باشیم لازم است قانون ما متغیر و بروز باشد. در حدود چهل سال از تصویب قانون جزای پیشین می‌گذشت در این مدت تغییرات اساسی در قانون جزا نیامده بود بلکه به صورت قسمی تعدیلات صورت گرفته بود ولی چشمگیر و محسوس نبود اما با تصویب کد جزا تغییرات قابل ملاحظه بمیان آمد و ما شاهد یک قانون منظم که جوابگوی

بخش عظیم از نیازهای کنونی ما می‌باشد هستیم.

در این مقاله تلاش صورت می‌گیرد تا به چند سوالی که با تصویب کد جزا به ذهن می‌رسد پاسخ لازم داده شود. سوال‌های از قبیل اینکه: آیا کد جزا با قانون جزا متفاوت است؟ آیا کد جزا بر اساس نیازهای موجود جامعه افغانستان وضع گردیده؟ آیا با تصویب کد جزا در حقوق جزای افغانستان تحول بمیان آمده؟ که این مقاله متشکل از چهار گفتار که گفتار اول مفاهیم، گفتار دوم علل و عوامل تصویب کد جزا، گفتار سوم اهداف تصویب کد جزا و در گفتار چهارم تفاوت‌های کد جزا با قوانین لغو شده بحث خواهد شد در اخیر نتیجه خواهیم گرفت که با تصویب کد جزا تحول اساسی در حقوق کیفری افغانستان به میان آمده؟

گفتار اول: پیشینه و مبانی کد جزا

پیشینه قانون جزا در این گفتار بررسی می‌گردد که اولین بار چه زمانی افغانها صاحب اولین قانون جزا شد یا به عبارت دیگر اولین بار در کدام سال قانونی تحت این عنوان تصویب شد تا زندگی فردی و اجتماعی اعضای جامعه را سر و سامان بدهد و تاکنون چه تعداد قانون در این عرصه تصویب و لازم الاجرا شده، کد جزای افغانستان چندمین قانون است. در ضمن بررسی می‌گردد مبنی تصویب قوانین جزایی در افغانستان چیست فقه است یا قانون یا یکی از آنها.

۱. پیشینه قوانین جزایی در افغانستان

همانطوریکه در مقدمه یاد آور شدم در مورد تصویب قوانین در افغانستان ادعاهای متفاوت وجود دارد ولی عده‌ای به این باوراند که با روی کار آمدن حکومت امانی در افغانستان که پایه گذار نظام شاهی مشروط در افغانستان بود قوانین بصورت مکتوب تصویب گردیده، برای اثبات این ادعا ذیلاً قوانین جزایی حین زمامداری امان الله خان را لیست نموده و به تعقیب آن قوانین جزایی حکومت‌های بعدی را تا کد جزا کنونی گنجانده می‌شود:

۱-۱. نظام نامه اصول محاکمات جزائیه مامورین، مصوب سال ۱۳۰۲ ش. که متشکل از ۳۳ ماده می‌باشد.

۱-۲. نظام نامه توقیف خانه‌ها و محبوس خانه‌ها، مصوب سال ۱۳۰۵ ش. که متشکل از ۲۷ ماده می‌باشد.

۱-۳. نظام نامه جزای عمومی، مصوب سال ۱۳۰۶ ش. که متشکل از ۳۱۷ ماده می‌باشد.

۱-۴. قانون جزا افغانستان، شماره (۳۴۷)، مصوب سال ۱۳۵۵ ش. که متشکل از ۵۲۳ ماده می‌باشد.

۱-۵. ضمیمه شماره ۱ قانون جزا، شماره (۳۹۱)، مصوب سال ۱۳۵۶ ش. که



متشکل از ۷ ماده می‌باشد.
 ۱-۶. ضمیمه شماره ۲ قانون جزا، شماره (۴۹۸)، مصوب سال ۱۳۶۰ ش. که
 متشکل از ۲ ماده می‌باشد.
 ۱-۷. ضمیمه شماره ۳ قانون جزا، شماره (۵۴۷)، مصوب سال ۱۳۶۲ ش. که
 متشکل از ۲ ماده می‌باشد.
 ۱-۸. ضمیمه شماره ۴ قانون جزا، شماره (۱۲۴۴)، مصوب سال ۱۳۹۵ ش. که
 متشکل از ۱۳ ماده می‌باشد.
 ۱-۹. ضمیمه شماره ۵ قانون جزا، شماره (۱۲۴۴)، مصوب سال ۱۳۹۵ هـ ش که
 متشکل از ۷ ماده می‌باشد.
 ۱-۱۰. کد جزا، شماره (۱۲۶۰)، مصوب سال ۱۳۹۶ ش. که متشکل از ۹۱۷ ماده
 می‌باشد.

با گذشت ۹۵ سال از اولین قانون جزا در افغانستان تا کنون شاهد تصویب ده قانون و ضمایم در مورد قانون جزا می‌باشیم همچنان از نحوه قانونگذاری تا محتوای قوانین را که مطالعه نماییم خود بیانگر تحول در حقوق جزا می‌باشد لحن قانون تغیر نموده و مجازات هم متفاوت است در قوانین فوق، که هر کدام در حقیقت بازگو کننده نیازهای آن عصر می‌باشد.

۲. مبنای قانونی تصویب کد جزا

ماده ۱ کد جزا مبنی قانونی این کد را بیان می‌نماید عبارت اند از (این قانون به تأسی از حکم مواد هفتم و بیست و هفتم قانون اساسی افغانستان و رعایت احکام مواد بیست و دوم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و پنجم، بیست و ششم، بیست و نهم، پنجاه و ششم و پنجاه نهم آن، وضع گردیده است)
 به لحاظ قانونی مبنی تمام قوانین را قانون اساسی تشکیل می‌دهد یعنی قوانین که تصویب می‌شود باید در مطابقت با قانون اساسی باشد و الی بر مبنی ماده ۱۶۲ قانون اساسی پاراگراف دوم آن با انفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر آن ملغی می‌باشد. اگر در مخالفت با قانون اساسی قرار گیرد مدار اعتبار نبوده و بر مبنی آن هیچ تصمیم رسمی و حقوقی اتخاذ شده نمی‌تواند بر فرضی اگر قانونی از سوی شورای ملی در مخالفت با قانون اساسی تصویب شود، حکمی در مغایرت این قانون از سوی محکمه صادر شود، یا تصمیم اجرایی در مخالفت این قانون اتخاذ شود بی اعتبار بوده قابلیت اجرایی نداشته بر فرض اجرا نیز آثار و نتیجه آن مورد قبول نیست.

۳. مبنای شرعی تصویب کد جزا

ماده ۳ ق.ا. در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین

مقدس اسلام باشد.

مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی و ماده ۲ کد جزا به نحوی تاکید بر فقه حنفی و جعفری دارد البته در مواردی که قانون ساکت باشد و در آن مورد حکمی نداشته باشد می‌توان به عنوان جاگزین قانون به فقه رجوع کرد و بر اساس آن رسیدگی صورت گیرد قابل استناد هست. اما در مورد که قانون وجود داشته و صراحت هم دارد نمی‌توان مطابق فقه حکمی صادر نمود اصل با قانون است. اما ماده ۳ ق.ا. اساسی قابل دقت و تأمل است و جای بحث دارد در این ماده از دو کلمه استفاده صورت گرفته که نشان دهنده جدیت و اهمیت موضوع هست اول کلمه (هیچ قانون) که حتی خود قانون اساسی را نیز شامل می‌شود و با ذکر کلمه (نمی‌تواند) یعنی اینکه خود قانون اساسی هم نمی‌تواند مغایر احکام و معتقدات دین مقدس اسلام وضع شود. هرگاه قانون اساسی که مبنی تمام قوانین عادی است نتواند در مغایرت با فقه حکمی را صادر نماید قوانین عادی هرگز نمی‌تواند مغایر آن حکمی را صادر نماید چون هم در مغایرت با قانون اساسی و هم معتقدات و احکام دین مقدس اسلام قرار می‌گیرد.

افغانستان کشور است که قریب به اتفاق تمام اتباع آن را مسلمانان تشکیل می‌دهد منطقی به نظر نمی‌رسد که در یک جامعه اسلامی قانون غیر اسلامی وضع شود، چرا؟ چون اعتقادات مردم یک حکمی داشته باشد و قوانین حاکم حکمی دیگری، در این صورت شهروندان سر دو راهی قانون و فقه قرار می‌گیرد بدون شک در یک جامعه سنتی و دینی مثل افغانستان مردم مسیر اعتقادات و باورهای شان که دین باشد را انتخاب می‌نمایند و بر خلاف قانون عمل خواهد کرد، در این صورت قانون عملی نخواهد شد و بودن و نبودن قانون یکسان است به این لحاظ هر عقل سلیم حکم می‌کند، قوانین که ساخته می‌شود باید در مطابقت به باورهای مردم و عرف پسندیده جامعه باشد و الی در نهایت با مخالفت‌های مردم نسبت به قانون و حکومت مواجه خواهد شد.

به لحاظ تاریخی نیز برای بار اول وقتی صفحه نوین نظام سیاسی (شاهی مشروطه) در دفتر تاریخ سیاسی افغانستان باز شد آغاز گر این صفحه تاریخی شاه امان الله خان غازی بود و یکی از اراکین این دوره محمود طرزی بود که هم از لحاظ سیاسی اداری به شاه مشروطه خواه افغان نزدیک بود و هم از لحاظ فامیلی خسور(پدر زن) او بود. وقتی برای قوانین می‌خواست عنوانی را تصویب نماید با عنوان قانون مخالفت‌های صورت گرفت در آن زمان استدلال مخالفین هم این بود قانون به احکام دینی گفته می‌شود و اگر به مجموعه آماده شده عنوان قانون را بدهیم یعنی موارد موضوعه را که ما وضع کردیم مساوی می‌دانیم با احکام دینی، در حالی که منبع این دو متفاوت است یکی منبع وحیانی و الهی دارد و دیگری



هم بر گرفته شده از ذهن بشر است. بلاخره تفاهم صورت گرفته تا بجای عنوان قانون از عنوان نظامنامه استفاده شود که به تدریج این عنوان به قانون تبدیل شد امروزه عنوان قانون کاربرد عام دارد. استفاده کد بجای قانون هیچ تغییری عنوان محسوب نمی‌شود کد یک کلمه انگلیسی است که معانی متفاوت دارد از جمله یکی از معنی آن مجموعه قوانین است چون کد جزا جمع آوری شده قوانین پراکنده جزایی است لذا آمده آنرا کد جزا بجای قانون جزا مسمی نموده از طرف دیگر ممکن فلسفه دیگر آن تفکیک میان قانون جزا قبلی و فعلی باشد که اگر بجای کد از کلمه قانون استفاده می‌شد خیلی وقت در متون غیر قانونی تفکیک آن مشکل می‌بود و باعث می‌شد بصورت اشتباهی بجای همدیگر استفاده شود که در نتیجه تفکیک میان قانون نافذ و ملغی نمی‌شد.

گفتار دوم: علل و عوامل تصویب کد جزا

عوامل زیادی دست به دست هم داد تا در مورد قانون جدید تحت عنوان کد جزا تصامیم لازم اتخاذ و اجرایی شود که در این گفتار به هر کدام آن بصورت جداگانه پرداخته می‌شود.

۱. عدم جامعیت قانون جزا قبلی

با گذشت بیش از چهل سال از تصویب قانون جزا قبلی که در سال ۱۳۵۵ ش. در زمان حکومت سردار محمد داود خان در دوره ریاست جمهوری وی نافذ شد. اما لازم می‌دانم آنچه معاون محترم رئیس جمهور جلالتمآب استاد محمد سرور دانش نیز در رو نمایی کد جزا اشاره نمود، یاد آوری نمایم که کار تدوین قانون جزای قبلی و قانون مدنی فعلی در سالهای اخیر حکومت اعلی حضرت محمد ظاهر شاه آغاز شده بود و دوره پادشاهی او که آخرین دوره پادشاهی مشروط بود، افغانستان از لحاظ تقنین و قانونگذاری گام‌های عملی استوار برداشت که می‌توان به قانون اساسی ۱۳۴۳ ش.، قانون مدنی فعلی و قانون جزا قبلی اشاره نمود و ده سال اخیر حکومت وی بنام دهه قانون اساسی مسمی بود هنوز هم قانون جزا آنزمان اجرا و عملی می‌شد و قانون مدنی آن نافذ است. اما با در نظر داشت جنگ‌های تحمیل شده و نبود یک حکومت سراسری و مشروع، افغانستان مثل اینکه از دیگر مسیرهای رشد و انکشاف علمی، سیاسی، اقتصادی و نظامی باز ماند در عرصه قانون گذاری و تقنین نیز فرصت این را نیافت تا در مورد قوانین شان در کل و بصورت خاص در مورد قانون جزا تغییرات مورد ضرورت و لازم را اعمال نماید. فرصت پیش آمده بعد از چند دهه و با شکل‌گیری حکومت مشروع و منتخب سراسری ملی باعث شد در کنار دیگر تلاش‌ها در عرصه قانونگذاری خصوصاً قانون جزا، هم در مورد جزا شکلی تحت عنوان اجراءات جزایی و هم

جزای ماهوی تحت عنوان کد جزا گام‌های استوار علمی و عملی با در نظر داشت مقتضیات جامعه افغانی امروز برداشته شود تا با بر داشتن این گام علمی حقوقی به نیازهای امروز جامعه ما پاسخ متناسب داده شود و با اجرای این قانون بدون شک عدالت نسبی تأمین خواهد شد.

۲. تصویب قوانین جدید و مرتبط به قانون جزا

عدم جامعیت قانون جزای قبلی، نیازهای شدید و حیاتی بعد از نافذ شدن قانون جزا در دوره‌های بعد از حکومت سردار محمد داود خان و ضرورت کار بیشتر که قانون جزا نیاز داشت همه با هم باعث شد تا قوانین مورد نیاز که جنبه جزایی داشته و مرتبط به قانون جزا باشد تصویب شود و ما شاهد تعدد قوانین در این عرصه باشیم. در حالیکه قوانین متذکره اصولاً باید تحت عنوان قانون جزا تصویب و نافذ می‌شد و تمام مباحث جزایی و موارد که جنبه مجازات دارد باید در قانون جزا بحث شود در نتیجه تبدیل به یک قانون جزا جامع گردد این مبحث نیز می‌تواند یکی از علت‌های تصویب کد جزا جدید شمرده شود و باعث شد تا جد و جهد در این عرصه صورت گیرد و در نتیجه امروز شاهد تصویب کد جزا نافذ فعلی باشیم.

۳. پراکندگی جرم انگاری و تصویب قوانین متعدد

فقره ۲ ماده ۹۱۶ کد جزا طبق معمول آمده از لغو صریح و ضمنی قوانین قبلی و مرتبط که با نافذ شدن این قانون ملغی و بی اعتبار می‌شود حکم نموده و موارد را که بصورت کلی یا قسمی صریحاً لغو شده با ذکر شماره منتشره جریده رسمی، مواد مربوط و تاریخ انفاذ آن لیست نموده که به سی و سه عنوان قانون رسیده همچنان قانون گذار به این موارد یقین نداشته بسنده نکرده مورد سی و چهارم با ادامه موارد لغو شده قبلی بصورت ضمنی نیز اشارتاً حکم نموده اگر قانونی باشد که شامل این لیست نباشد و در مغایرت با کد جزا فعلی قرار گیرد بی اعتبار بوده و اصل با کد جزای نافذ فعلی است. معاون رئیس جمهور در سخن رانی خویش در مورد پراکندگی جرم انگاری بصورت ذیل به تفصیل بحث نمود که بخاطر امانت داری متن سخنان وی راجع به پراکندگی قوانین در این مقاله ذیلاً آورده شده:

(معاون رئیس جمهور: ما در این قانون جزا و سایر قوانین خود مشکلات متعدد داشتیم و داریم از نگاه قانونگذاری که من چند مطلب را اشاره می‌کنم:

۱-۳. پراکندگی در قانون گذاری از نگاه موضوع است. گاهی برای یک موضوع، به عنوان مثال در مسایل مربوط به جزا قوانین متعدد و حتی ده‌ها قانون داشته‌ایم چه به صورت مستقل که یک قانون بوده به نام قانون جزا ولی در هر قانون دیگر ما هم احکام جزایی پیش بینی شده بود. این یک نوع ناهماهنگی و پراکندگی را



نشان می‌دهد.

۲-۳. در مسأله تعدیل عین همین مشکل را داریم. بعضی از قوانین در وزارت عدلیه، در بیست و سی سال اخیر افغانستان نزدیک به چهل تا پنجاه بار تعدیل شده است. تعدیل‌های مکرر یک نوع نا بسامانی را ایجاد می‌کند. هم برای کسی که از قانون استفاده می‌کند و هم برای خود قانونگذار. گاهی اصلاً فراموش می‌شود که در فلان قانون چند بار تعدیل صورت گرفته است. مخصوصاً به آن شیوه‌ای که ما در تعدیل داریم یعنی وقتی که یک تعدیل تصویب می‌شود، به صورت یک متن جداگانه شامل یک یا چند ماده شده و در جریده رسمی به طور جداگانه نشر می‌شود، بدون این که در قانون اصلی یا متن اصلی کدام تغییری بیاید. قانون اصلی در جای خود دست ناخورده باقی است و ما تعدیل را در یک جریده دیگر نشر می‌کنیم، در حالی که در بعضی کشورها با این روش عمل می‌کنند که تعدیل را بعد از این که تصویب شد در خود متن وارد می‌کنند یعنی قانون اصلی از نو به صورت تعدیل شده نشر می‌شود. اما ما این روش را نداریم. این خود به خود هم پراکندگی و مشکلات زیاد را به وجود می‌آورد.

۳-۳. خود قانون جزای ما با این که نامش قانون جزا بود یعنی معنایش این است که تمام احکام جزایی ما در همین قانون جزا می‌بود، در حالی که این طور نبود، یعنی قانون جزا همه احکام جزایی ما را در بر نمی‌گرفت و حالا اگر شما مقایسه کنید از نگاه فیصدی، بیش از پنجاه فیصد کد جزای کنونی اضافه بر خود قانون جزا است یعنی یک حجم بسیار زیادی حالا در کد جزا اضافه شده که قبلاً در قانون جزای ما نبوده و در قوانین مختلف دیگر پراکنده بوده است.

۴. عدم کارایی برخی مواد قانون جزا

مجازات‌های که در قانون جزا قبلی به عنوان مجازات تسجیل یافته بود متناسب به وضعیت فعلی جامعه ما نبوده بصورت عملی قابلیت اعمال را نداشت مثال آن می‌توان از مجازات نقدی در این قانون نام برد. بعد از حکومت داود خان با روی کار آمدن حکومت‌های بعدی در اکثر دوره‌ها پول افغانی کاملاً تغییر کرد و جدیداً چاپ شد حتی در دوره مجاهدین اکثریت گروه‌ها مختص خودشان پول چاپ می‌کرد و در یک دوره ما چند نوع پول افغانی در بازارهای کشور داشتیم که با روی کار آمدن حکومت مؤقت و انتقالی باز هم شاهد تغییر بانک نوت‌های افغانی با چاپ جدید و متفاوت از قبل هم از لحاظ شکلی و هم ارزشی بودیم ولی هنوز در قانون ما مجازات نقدی وجود داشت که در بیش از چهل سال قبل در پول مروجه همان وقت تعیین گردیده بود از لحاظ عملی درست نبود اگر قاضی مطابق قانون مجازات مالی تعیین می‌نمود مجازات کافی نبود اگر خودش مجازات نقدی تعیین می‌نمود که باز هم خلاف قانون بود. پاراگراف اخیر ماده ۷ کد جزا در این

مورد صراحت دارد (مجازات بالای مرتکب با نظر داشت سایر شرایط و احوال مندرج در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی تطبیق می‌گردد).

دید جامعه نسبت به جرایم تغییر نموده بود یعنی ممکن جرمی در آن زمان درجه زشتی آن بیشتر بوده نیاز به مجازات شدید تری داشت ولی امروزه با در نظر داشت تغییرات بوجود آمده در اجتماع از لحاظ فرهنگی و تغییرات در عرصه حقوق جزا و مطرح شدن دیدگاه‌های متفاوت و تجربیات در کشورهای مشابه مجازات خفیف تری نیاز باشد، به این اساس برای اینکه برخورد ما قانونی و در جهت اجرای قانون باشد نیاز مند تغییر قانون است.

با توجه به رشد تکنالوژی امروزه جرایم بوجود آمده که در گذشته وجود نداشته و نه هم قابل تصور بوده، لذا برای اینکه نظم جامعه بر هم نخورد و از طرف دیگر انجام این نوع اعمال خلاف ارزش‌های جامعه برای مرتکب آن پیگرد قانونی و قضایی را بدنبال داشته باشد لازم است این موارد با در نظر داشت اصل قانونی بودن جرایم، مجازات و رسیدگی توسط محاکم ذیصلاح اول جرم انگاری شود تا بعداً برای تعقیب و مجازات آن راه قانونی باز شود حد اقل از لحاظ قانون برای پیگرد آن مانعی وجود نداشته باشد که در این مورد احکام قانون اساسی، کد جزا و قانون جزای قبلی نیز صراحت دارد:

۴-۱. ماده ۲۷ قانون اساسی (هیچ عمل جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نموده مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد).

۴-۲. ماده ۷ کد جزا (قانونیت جرم و جزا و محکمه صالحه هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن، نافذ گردیده باشد. هیچ جزایی را نمی‌توان تطبیق نمود، مگر اینکه در این قانون تصریح شده باشد. هیچ شخصی را نمی‌توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه ذیصلاح، مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد. مجازات بالای مرتکب با نظر داشت سایر شرایط و احوال مندرج در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی تطبیق می‌گردد).

۴-۳. ماده سوم قانون جزای قبلی (هیچکس را نمی‌توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد). تا مادامی که عمل جرم انگاری نشده و برای آن مجازات تعیین نگردیده و نهاد رسیدگی با صلاحیت‌های شان مشخص نشده از نظر قانون قابل پیگرد و مجازات نبوده و عمل را که انجام داده یک عمل کاملاً مباح است که اصلاً قابل مجازات نیست.



مباحث فوق اعم از عدم جامعیت قانون جزا قبلی، تصویب قوانین جدید و مرتبط به قانون جزا، پراکندگی جرم انگاری، تصویب قوانین متعدد و عدم کارایی برخی مواد قانون جزا یا احکام این قانون از علل و عوامل برجسته وضع و اجرایی شدن کد جزا و زمینه ساز شکل‌گیری این قانون محسوب می‌گردد.

گفتار سوم: اهداف تصویب کد جزا

تصویب کد جزا برای بر آورده شدن اهداف که در این قانون ذکر گردیده و اهداف دیگری مندرج در این گفتار صورت گرفته که بصورت جداگانه به هر کدام آن خواهیم پرداخت.

۱. اهداف مندرج این قانون

قانون‌گذار در متن این کد و در ماده سوم آن هشت مورد را به عنوان اهداف تصویب این قانون ذکر نموده قرار ذیل‌اند:

۱-۱. اولین مورد که بعنوان هدف تصویب این قانون بیان نموده تنظیم اصول، قواعد و احکام مربوط به جرایم و جزاهای تعزیری است. هدف اول این قانون مطلب را که به ما بیان می‌نماید کد جزا صرفاً جرایم و جزاهای تعزیری را شامل می‌شود و شامل حدود، قصاص و دیات نمی‌شود در حالیکه برخی از موارد جرایم غیر تعزیری نیز در این قانون وجود دارد مثل زنا و در مورد آن بحث شده بر این اساس مرز را که خود قانون‌گذار تعیین نموده خود آن در موادهای متعدد این قانون آن مرز را شکسته و از آن عدول نموده است.

۱-۲. هدف دیگر این قانون همانطوری که از نامش پیدا است ضمانت اجرای قوانین دیگر است یعنی اگر مجازات که در این قانون ذکر گردیده وجود نمی‌داشت یا ما قانون جزا را در کنار دیگر قوانین نمی‌داشتیم تصویب قوانین دیگر به شمول قانون اساسی بی‌فایده بود صرفاً به اصول اخلاقی می‌ماند نه قانون. چون وقتی قانون ضمانت اجرا نداشته باشد بودن و نبودن آن تفاوت ندارد و دیگر مردم خود را ملزم به تبعیت از این قانون نمی‌دانند و از جانب دیگر تفاوت اخلاق و قانون در ضمانت اجرا آن است. که اخلاق دارای ضمانت اجرای درونی و شخصی است اما قانون دارای ضمانت اجرای بیرونی و قانونی است و پیگرد مرتکب را توسط نهادهای موظف بدنبال دارد.

۱-۳. یکی از اهداف این قانون اجرای نمودن و عام‌الشمول بودن این قانون نسبت به همه اشخاص و شهروندان که قانون در مورد آنان تطبیق می‌شود است. بر این اساس تطبیق این قانون باعث تأمین عدالت جزایی می‌شود با مظنونین، متهمین و مجرمین با در نظر داشت اصل برائت، اصل شخصی بودن و اصل فردی کردن که از اصول این قانون است بگونه‌ای برخورد خواهد شد که عدالت تأمین شود و

با تامین عدالت و اجرا نمودن این قانون در سراسر جغرافیای تحت حاکمیت این قانون نظم بوجود خواهد آمد و امنیت در این جغرافیا حاکم خواهد شد.

۴-۱. هدف دیگر از تصویب و اجرای این قانون حفظ استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور است به عباره دیگر موجودیت استقلال مقدمه و پیش زمینه برای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور است. کشور که مستقل نباشد دیگر بحث حاکمیت ملی در این کشور به شعار میان تهی می ماند که هیچ گونه اثر ملموسی را در پی نخواهد داشت و حفظ تمامیت ارضی بدون استقلال و حاکمیت ملی یا ممکن نیست یا اینکه نتیجه و اثر مطلوب را که هدف ملت است بر آورده نخواهد توانست.

۵-۱. هدف بعدی این قانون در ابتدا جلوگیری اشخاص از ارتکاب جرم است یعنی وقتی ما قانون جزا را داشته باشیم و این قانون در حقیقت جهت دهنده اعمال و حرکات ما در اجتماع است در قانون اعمال خلاف هنجارهای اجتماعی معین شده و ما را از انجام آن منع نموده در صورت ارتکاب اعمال ممنوعه مندرج این قانون بدون در نظر داشت اینکه مرتکب آن چه کسی است مجازات تعیین نموده با تعیین اعمال خلاف هنجارهای اجتماعی و مجازات آن اگر شهروندان تصمیم بر ارتکاب آن داشته باشد نیز از تصمیم خود منصرف خواهد شد یعنی قانون زنگ هشدار است برای کسانی که اعمال مجرمانه را در ذهن شان می پروراند. ممکن عده ای از تصمیم مجرمانه که در ذهن خود دارد با این هشدار منصرف شود که به آن جلوگیری از ارتکاب جرم می گویند. اما در مقابل تفاوت های که میان شهروندان جامعه وجود دارند بدور از تصور نیست عده هم ممکن باشند که با هشدارهای قانون از تصمیم مجرمانه یا به تعبیر دیگر غیر قانونی شان منصرف نشوند و تصمیم شانرا در عمل پیاده نمایند و مرتکب جرم شوند هدف بعدی این قانون مبارزه با مجرمان است و مجازات معینه و مندرج این قانون در مورد آنان با در نظر داشت اصول پذیرفته شده حقوق از مسیرهای قانونی اعمال و اجرا می گردد تا آنانی که تصمیم ارتکاب جرم را دارد به یقین کامل برسند که ارتکاب جرم در کنار دیگر پیامدهای فردی، اخلاقی و اجتماعی پیامد قانونی نیز دارد.

۶-۱. هدف بعدی این قانون اصلاح و تربیت مجدد مرتکب اعمال ممنوعه در این قانون است. کد جزا به گونه ای قانونگذاری شده که صرفاً به هشدار و مبارزه با جرایم بسنده نکرده یا به عبارت دیگر مبارزه صرفاً جرم انگاری، تعیین مجازات و اعمال آن نیست بلکه مبارزه اصلی باز پروری مجرم است به این معنی قانون برای کسانی که هنجارهای اجتماعی را رعایت می نمایند وضع نشده بلکه قانون برای کسانی که مصمم است این هنجارها را نقض نمایند و نقض می نمایند وضع شده مجازات و دیگر تدابیر که در این قانون تسجیل یافته صرفاً برای انتقام عمومی



از مجرم نیست بلکه نیت قانون گذار بر این است با اجرای مجازات اهداف نهفته در قانون بر آورده شود که یکی از آن اهداف برگشت دو باره مجرم بعد از اصلاح به جامعه و پذیرش دوباره مجرم توسط جامعه است. شخص مجرم با برگشت در حقیقت از قانون اطاعت و پیروی نماید و دیگر تصمیم بر ارتکاب جرم نداشته باشد یعنی اصلاح شده باشد.

۱-۷. هدف بعدی این قانون تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشخاص است. بر اساس قرار داد اجتماعی هدف این قانون نه تنها سلب آزادی نیست بلکه این قانون تضمین کننده حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص است یعنی این قانون وضع نشده تا آزادی‌های اساسی شهروندان را سلب نماید بلکه این قانون وضع شده تا رفتار را که به آزادی‌های اساسی شهروندان آسیب می‌رسانند مشخص نموده و منع نمایند و از جانب دیگر نحوه برخورداری و استفاده از این آزادی‌ها را به شهروندان مشخص نمایند تا آنان با استفاده از آزادی‌های شان باعث سلب آزادی دیگران نشوند در نتیجه تضمین حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندان را اجرای قانون در پی دارد.

۱-۸. هدف بعدی این قانون تأمین مصئونیت ملکیت‌های مادی و معنوی اشخاص است. نظام حقوقی افغانستان در کنار ملکیت‌های عامه ملکیت‌های شخصی را نیز پذیرفته و ملکیت‌های شخصی را به دو بخش تقسیم نموده که شامل ملکیت‌های مادی و معنوی می‌گردد و این قانون در کنار برسمیت شناختن ملکیت شخصی اقدامات لازم قانونی را برای تأمین مصئونیت آن برسمیت شناخته و تضمین نموده است. هرگاه کسی مرتکب عملی شود که بر خلاف مصئونیت ملکیت مادی و معنوی اشخاص، عمل وی خلاف قانون بوده و مطابق به قانون مورد پیگرد قرار خواهد گرفت و مجازات مندرج در این قانون در مورد وی از سوی نهادهای ذیصلاح حکم و عملی خواهد شد.

۱-۹. هدف بعدی این قانون ارتقای سطح مسؤلیت‌پذیری در اشخاص است. بر مبنی این قانون شخص وقتی تصمیم بر انجام عملی را اتخاذ می‌نماید مؤظف است تا بررسی نماید عمل که او مصمم بر اجرای آن است خلاف قانون نباشد. یعنی شخص اعمال، حرکات و سکانات خود را بر مبنی قانون تنظیم می‌نماید در صورتیکه اعمال وی بر خلاف حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی اشخاص نبوده و این به معنی مسؤلیت‌پذیری اشخاص است یعنی شخصی در برابر اعمال خویش با در نظر داشت قانون خود را مسؤل می‌داند و تلاش می‌نماید تا حرکت وی مسئولانه باشد.

۱-۱۰. آخرین هدف این قانون جبران خساره ناشی از ارتکاب جرم است. اجرای مجازات اغلب بخاطر جنبه حق الهی، عمومی جرم و جامعه است همچنان

می‌تواند در مورد آسیب‌های معنوی که به شخص وارد شده نیز باشد. ولی آسیب‌های دیگر جرم ممکن وارد نمودن خساره مادی به متضرر باشد. عادلانه نیست که هرکه جرمی مرتکب شد صرفاً مجازات شود در این صورت اهداف قبلی این قانون که مصونیت ملکیت مادی شخص باشد تأمین نخواهد شد. لذا قانون در کنار مجازات مجرم یکی از اهداف اش جبران خساره متضرر است یعنی پیامد جرم تنها به مجازات مجرم خلاصه نمی‌شود در کنار آن خسارت را که به متضرر وارد نموده نیز باید جبران نماید.

۲. جلوگیری از سوء استفاده سیاسی و قضایی از قانون

نبود یک متن واحد، تفاوت میان احکام قوانین موجود، پراکندگی و ابهام در قانون زمینه سوء استفاده قضات و سیاسیون را از قوانین فراهم می‌کند. تعدد در احکام و قوانین در کنار اینکه قاضی را در صدور حکم دچار مشکل می‌کند تا بر مبنی کدام قانون حکم صادر نماید و از جانب دیگر تشخیص این برای قاضی با توجه به تعدد دوسیه‌های که نیاز به رسیدگی دارد مشکل است تا کدام قانون از میان قوانین موجود به نفع متضرر و جامعه است همچنان نیاز به زمان کافی برای رسیدگی درست دارد. از جانب دیگر زمینه قانونی را برای سوء استفاده قاضی از قانون فراهم می‌کند. ممکن در این صورت قانون بر محور منافع ملی اجرایی و عملی نشود بلکه قانون در اختیار منافع سیاسی قضات و سیاسیون قرار گیرد. با موجودیت یک متن مدون، منسجم و واحد که در بر گیرنده تمام جرایم و مجازات‌ها باشد تا حدی زیادی زمینه‌های نقض و سوء استفاده از قانون برچیده خواهد شد دیگر قاضی و سیاسیون نمی‌توانند با در نظر داشت متون متعدد از قانون به نفع سیاسی و شخصی شان استفاده نمایند. در این صورت قانون در خدمت منافع شخص نبوده و تأمین کننده منافع شخص نیست بلکه از قانون در راستای تأمین منافع ملی استفاده خواهد شد که یکی از اهداف این قانون نیز شمرده می‌شود.

۳. رفع ابهام از مواد یا احکام قانون جزا

هدف دیگری را که تصویب کد جزا در پی دارد رفع ابهام از ماده‌ها یا احکام قانون جزای سابق بود. چون قانون جزا سابق بیش از چهل سال قبل مطابق نیازهای آن وقت نوشته شده بود یا نیازهای امروز در این قانون بصورت کامل وجود نداشت یا اگر وجود داشت با تغییر زمان نیازها نیز تغییر نموده بود و با تغییر نیازها مبهم بود که این قانون در مورد جرم انجام یافته عملی می‌شود یا خیر؟ اجرا قانون اهداف را که از این قانون متوقع است بر آورده خواهد ساخت؟ یا احکام این قانون برخی از جرایم که در گذشته نبود را شامل می‌شود؟ در خیلی موارد از صراحت قانون

قابل برداشت نبود نیاز به تفسیر بود که با ارائه از تفسیر نمی‌توان شخص را مجرم شمرد. تصویب قانون بر اساس ضرورت و نیازهای موجود ابهام‌های مطرح شده فوق را رفع نموده و یک قانون که مطابق به نیازهای موجود باشد یکی از اهداف کد جزا بود که این قانون در حقیقت برای بر آورده شدن این اهداف تصویب و نافذ گردید.

۴. تامین عدالت

قانونی منجر به تامین عدالت می‌گردد که تمام دغدغه‌های موجود در جامعه را از لحاظ حقوقی، قانونی و قضایی پاسخگو باشد. در جامعه نظم حاکم باشد و اعضای آن احساس آرامش و مصئونیت نماید، این ویژگی در قانونی موجود خواهد بود که بروز و در مطابقت به نیازهای جامعه وضع و تصویب شده باشد. هرگاه تمام اعمال ما در قانون مشخص شده باشد که کدام آن مطابق قانون و در جهت منافع ملی است و کدام آن بر خلاف قانون و در مغایرت با مصالح ملی قرار دارد عکس العمل جامعه در مقابل آن چیست؟ در این صورت با همه، از سوی نهادهای عدلی و قضایی و اجرایی مطابق به قانون برخورد یکسان صورت خواهد گرفت و اگر کسی با موجودیت قانون و آگاهی از آن عمداً عمل خلاف قانون را مرتکب شد به این معنی است که شخص بر اثر محاسبات شخصی که قبل از جرم داشته تصمیم بر ارتکاب جرم گرفته و نتایج عمل خود را که یکی از آن نتایج مجازات است پذیرفته در این صورت مجازات که بر شخص حکم و اجرا می‌شود غیر عادلانه نخواهد بود مشروط بر اینکه مجازات تعیین شده در قانون متناسب با جرم باشد. با اجرای قانون هیچ مجرمی بدون مجازات نخواهد ماند و هیچ بی‌گناهی بدون موجب مجازات نخواهد شد که منجر به تامین عدالت خواهد شد و یکی از اهداف تصویب کد جزا قلعی نیز تامین عدالت است با اجرای تمام این قانون بر آورده خواهد شد.

گفتار چهارم: تفاوت‌های کد جزا با قوانین لغو شده

در این گفتار بررسی خواهد شد که میان کد جزا، قانون جزا و دیگر قوانین لغو شده تفاوت وجود دارد یا خیر و تفاوت و تحولات موجود در کد جزا باعث تحول در حقوق جزا افغانستان می‌شود یا خیر که ذیلاً بررسی می‌گردد.

۲۰. ۱. تفاوت‌های کد جزا با قانون جزا

تحت این عنوان تفاوت‌های شکلی و ماهوی که میان قانون جزای قبلی و کد جزای فعلی وجود دارد ذیلاً بیان می‌گردد:

۱-۱. تفاوت شکلی که میان کد جزا و قانون جزا وجود دارد در این است که با موجودیت قانون جزا ضمایم شماره ۱ الی ۵ آن در شماره‌های جدید منتشره جریده رسمی بصورت جداگانه نشر و نافذ شد و در متن قانون جزا هیچ تغییری

رو نما نشد یعنی حتی در گذشته بنام قانون جزا دارای یک متن واحد و منسجم نداشتیم در حالی که امروز کد جزا را به عنوان متن واحد داریم متن دیگری تحت این عنوان نداریم که یکی از تفاوت‌های شکلی محسوب می‌شود.

۱-۲. تفاوت ماهوی (از لحاظ احکام)، قانون جزا احکام اش مربوط به بیش از چهل سال قبل بود خیلی از اعمال که امروزه خلاف هنجارهای موجود جامعه ما است شامل این قانون نبود بنابر این نیاز مبرم وجود داشت تا قوانین را داشته باشیم که در بر گیرنده موضوعات روز جامعه ما باشد روی این لحاظ با در نظر داشت نیازهای کنونی قانون جزا وضع و نافذ گردیده است.

۲. تفاوت‌های کد جزا با قوانین لغو شده

ذیل این عنوان برخی از تفاوت‌های که میان کد جزا و قوانین لغو شده قبلی به استثنای قانون جزا وجود دارد ذیلاً چنین مطرح می‌گردد:

۱-۲. **پراکندگی متن:** قوانین گذشته با در نظر داشت ضرورت‌ها در هر مورد وضع شد در کنار مفاهیم مربوط به این قانون اعمال خلاف این قانون جرم انگاری و برای اعمال یاد شده مجازات تعیین گردید در حالیکه این خلاف معیار و اصل عام الشمول بودن قانون جزا بود. در کنار قانون جزا که از جرم و مجازات بحث می‌کند متن‌های دیگر تحت عناوین دیگر نیز از چنین محتوایی برخوردار بود اما کد جزا این پراکندگی را ندارد تمام جرایم و مجازات‌ها در این قانون گنجانیده شده است و این متن نسبت به متون قبلی از انسجام بهتری برخوردار است.

۲-۲. **جلوگیری از تعارض:** در قوانین قبلی که بصورت کلی یا قسمی توسط کد جزا ملغی شده میان این قوانین و قانون جزا تعارض وجود داشت و علت تعارض هم به لحاظ زمان تصویب قانون و تفاوت در محتوای آن بود در حالیکه در کد جزا این تعارض وجود ندارد و در تدوین و تصویب این کد تلاش‌های صورت گرفته تا تعارض وجود نداشته باشد البته به این معنی نیست که در این قانون هیچ تعارضی وجود ندارد یا کاستی‌های در این قانون نیست بلکه هدف این است که مشکلات این قانون نسبت به قوانین قبلی کمتر است.

۲-۳. **اجرای این قانون:** قوانین لغو شده قبلی ممکن از اعتبار کمتر نسبت به قانون جزا برخوردار بود بعضی از این قوانین اجرا می‌شد بعضی هم اجرا نمی‌شد یعنی از لحاظ اجرا برخوردهای مقطعی و متفاوت نسبت به قوانین صورت می‌گرفت ولی کد جزا تمام مواد آن بصورت یکسان اجرا خواهد شد.

۲-۴. **لغو کلی یا قسمی قوانین:** بر خلاف قانون جزا و ضمائم آن که با تصویب کد جزا بصورت کلی ملغی و بی اعتبار گردید ولی قوانین مرتبط دیگر به استثنای قانون احصائیه دیگر قوانین مرتبط بصورت قسمی لغو شده نه کلی یعنی بخش‌های این قانون که در ارتباط به جرایم و مجازات بود با انفاذ کد جزا لغو شده



ولی بقیه احکام این قانون قابل اجرا بوده و تطبیق می‌گردد.

۳. جرم انگاری موضوعات جدید

کد جزا بر علاوه وضاحت، تعریف، تغییر در مجازات‌ها و جمع آوری قوانین پراکنده موارد را که در جامعه ضرورت و نیاز بود جدیداً جرم انگاری نموده مجازات متناسب به آن تعیین نموده همچنان بر اساس این قانون در هر ۵ سال یک بار باید در مورد مجازات نقدی باید تجدید نظر صورت گیرد.

عناوین که در قوانین گذشته جرم نبود و در کد جزا جدیداً در راستای رفع نیازهای موجود جامعه جرم‌انگاری شده‌اند شامل (۱. مجازات بدیل حبس (دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل مطرح گردیده. ۲. جرایم علیه بشریت - نسل کشی، جرایم ضد بشری، جرایم جنگی و جرایم علیه دولت. ۳. جرایم نقض مقررات هوا نوردی ملکی. ۴. جرایم مربوط به مواصلات و مخابرات. ۵. سوء استفاده از نفوذ. ۶. افزایش غیر قانونی دارایی. ۷. جرایم علیه تطبیق عدالت. ۸. جرایم سازمان یافته. ۹. سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی (بچه‌بازی و آزار و اذیت جنسی). ۱۰. جرایم علیه معادن، نفت و گاز. ۱۱. احتکار و مجازات آن. ۱۲. جرایم سایبری و مجازات آن. ۱۳. جرایم مسافرت و اقامت و مجازات آن. ۱۴. جرایم و مجازات ثبت احوال نفوس. ۱۵. بهره کشی از نیروی کار. ۱۶. اهمال در تخریب یا ترمیم بنای نزدیک به سقوط. ۱۷. بدست آوردن پول از طریق جادو گری. ۱۸. فروش یا توزیع گوشت حیوان حرام.) می‌باشد.

عناوین فوق شامل قانون جزای قبلی و قوانین دیگری که در ماده ۹۱۶ کد جزا ذکر گردیده و ملغی است جرم انگاری نشده بود و کاملاً یک بحث جدید در حوزه حقوق جزای افغانستان است.

نقد

۱. با وجودی که این قانون بیان نموده صرف تعزیرات را شامل می‌شود اما در بعضی از موارد در مورد جرایم حدی نیز مجازات تعیین نموده مثلاً در بحث زنا، اگر زنا اتفاق افتاده در این صورت باید مطابق اصول و دستورات احکام شرعی مرتکبین آن مجازات شود یعنی برخلاف ماده ۲ و فقره ۱ ماده ۳ این کد ماده ۶۴۲ و ۶۴۳ این قانون قرار دارد که همه چهار ماده متذکره با هم در این قانون قابل جمع نیست. چون اگر زنا است باید مجازات حدی تطبیق گردد اگر نیست مجازات بر مبنی کدام اصول در این قانون تعیین نموده چون فقه بحث زنا را با شرایط خاص پزیرفته در صورت که اثبات نشد و شبهه وجود داشت در این صورت بخاطر حفظ آبرو و حیثیت شهروندان آنچه که در فقه هم بیان شده مدعی

علیه قابل مجازات نیست بناً مجازات زنا تعزیری یا تقسیم زنا به حدی و تعزیری توجیه خاص ندارد یا عنوان دیگر برای آن تعیین گردد.

۲. در بعضی از موارد مثلاً جرایم سایبری بسیار دقیق و بصورت ریز جرم انگاری شده که از لحاظ اصل قانونگذاری هیچ مشکلی ندارد و یکی از نقاط قوت این قانون نیز محسوب می‌شود اما در عرصه اجرا در این موارد دچار مشکل می‌شویم. بر این اساس اگر در شرایط فعلی این قانون با تمام جزئیات آن اجرایی شود ممکن است عده زیادی از شهروندان اعمال شان تخلف از قانون و جرم محسوب شود و از جانب دیگر امروزه نهادهای موجود افغانستان هم ظرفیت و توانمندی به رسیدگی این جرایم ندارد ممکن قانون اجرا نشود مانند ماده ۸۷۰ ک ج فعالیت‌های تعصب آمیز در فضای سایبر اعم از نشر نوار صوتی، تصویری یا نوشته به تعصبات قومی، سمتی، زبانی، دینی و مذهبی در جامعه دامن بزند به حبس قصیر محکوم می‌گردد در صورت ایجاد خشونت به حبس متوسط محکوم می‌گردد. ماده ۸۷۷ ک.ج. استفاده غیر قانونی از سیم کارت (صدور و فروش آن بدون ثبت یا ثبت بنام دیگری) حبس متوسط تا دو سال را در پی دارد. اگر صفحات مجازی و اجتماعی مثل فیسبوک، توئیتر و دیگر... بررسی شود اغلب صفحات در این راستا فعالیت می‌نماید ممکن اشخاص معلوم الهویه باشد آیا قابل رسیدگی است؟ چه بسا اشخاص مجهول الهویه که از نام‌های مستعار استفاده می‌کند و به میلیون‌ها صفحات مجازی وجود دارد. یا مثلاً استفاده غیر قانونی از سیمکارت در شرایط فعلی خیلی از جرایم با استفاده از این سیم کارت‌ها صورت می‌گیرد اما بیشتر از نصف سیمکارت‌های که شهروندان افغانستان استفاده می‌نمایند ثبت نیست و از بازار سیا خریداری شده یا اینکه بنام دیگری ثبت است که استفاده کننده‌ها اصلاً شخص موصوف را نمی‌شناسد در این صورت نصف از شهروندان می‌تواند تحت پیگرد قرار گیرد. شاید استدلالی صورت گیرد که این قانون بعد از انفاظ اعتبار دارد قبلی را شامل می‌شود اما دو مثال قانونی را که من از میان دیگر مثال‌ها مطرح کردم بعد از تصویب قانون هم جریان داشته در حقیقت خلاف قانون است. گذر زمان مشخص خواهد کرد در صورت اجرای قانون که اقدام بسیار عالی در حفظ منافع ملی است ولی اجرای آن بعید به نظر می‌رسد.

پیشنهادات

قانون باید متناسب با وضعیت موجود جامعه و با در نظر داشت زمینه‌های اجرایی آن وضع و تصویب شود برای این که قانون بهتر و بوجه احسن اجرایی شود لازم است فشارهای لازم از سوی نهادهای اجرایی در جهت اجرای این قانون آورده شود تمام شرکت‌های مخابراتی مکلف شود تا بدون موجودیت خود شخص

سیمکارتی برای اشخاص دیگر با استفاده از اسناد شخص دیگر توزیع نشود. متاسفانه اسناد هویتی جعلی بی شماری وجود دارد لازم است تا تذکره‌های الکترونیکی توزیع شود یک بار دیگر تمام سیمکارت‌ها ثبت شود مطابق با تذکره جدید باقی مانده سیمکارت‌ها بی اعتبار و غیر قابل استفاده شود. در کنار آن مکانیزم شفاف برای ایجاد و استفاده از صفحات مجازی از سوی وزارت محترم مخابرات در نظر گرفته شود یعنی هر کسی که صفحه مجازی ایجاد می‌کند باید برای شان کد خاص هویت ملی توزیع گردد که بدون این کد اشخاص قادر به ایجاد و استفاده از صفحات مجازی نباشند هدف از این پیشنهاد ایجاد محدودیت فرا راه استفاده از فضای مجازی و آزادی بیان نیست به عبارت دیگر وزارت مخابرات حق ندارد سایت‌ها را فلتر نماید ولی از طرفی باید مکانیزمی پیشنهادی به گونه باشد که استفاده از حق آزادی بیان باید مسؤانه باشد و هر کس مسؤالیت اظهارات خویش را در فضای مجازی با استفاده از این حق که در قانون اساسی برسمیت شناخته داشته باشد و بر اساس این قانون قابلیت پیگرد باشد. صفحات مجازی که دارای کد هویتی ملی نباشد همه آن باید لغو و غیر قابل استفاده شود.



نتیجه

کد جزا فعلی از ویژگی‌های خاصی و منحصر به فرد برخوردار است که در تاریخ قانونگذاری افغانستان بی‌پیشینه بوده ویژگی‌های این قانون در کنار اینکه متن‌های پراکنده جزایی را تحت یک عنوان جمع آوری نموده، توضیحات لازم در موارد که قبلاً ابهام وجود داشت ارائه نموده، از تعارض میان قوانین تا حدودی جلوگیری نموده، مجازات که در این قانون در نظر گرفته شده متفاوت از مجازات گذشته بوده، تعیین بدیل برای مجازات حبس، برای همه احکام جزایی زمینه اجرایی یکسان را تحت یک عنوان فراهم نموده، مطابق به نیازهای کنونی جامعه تدوین شده، از همه مهمتر اعمال را که خلاف ارزشهای موجود جامعه ما قرار داشت و قبلاً بر اساس نبود یک قانون نافذ در این زمینه قابل پیگرد نبود و کاستی قوانین گذشته محسوب می‌شد رفع نموده است.

ممکن هنوز هم خلاها و کاستی‌های در این قانون وجود داشته باشد که یک امر پذیرفته شده در عرصه تقنین می‌باشد، ولی تصویب چنین قانون یک کار ارزشمند و مفید بوده همانطوریکه بعد از تصویب قوانین جزایی در زمان حکومت امان‌الله خان غازی با تصویب قانون جزای قبلی در سال ۱۳۵۵ ش. باعث تحول حقوق جزای افغانستان گردید بدون شک تصویب کد جزا نیز حقوق جزای افغانستان را متحول نموده است.

منابع

الف: قوانین

۱. قانون آب، منتشره جریده رسمی شماره ۹۸۰، مورخ ۰۶ ثور ۱۳۸۸.
۲. قانون اجراءات جزایی، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۳۲، مورخ ۱۵ ثور ۱۳۹۲.
۳. قانون احصائیه، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۱۰، مورخ ۱۲ سرطان ۱۳۹۲.
۴. قانون اداره امور مالیات، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۹۸، مورخ ۲۷ عقرب ۱۳۹۴.
۵. قانون انتخابات، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۲۶، مورخ ۴ میزان ۱۳۹۵.
۶. قانون انرژی هستوی، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۸۲، مورخ ۳۰ سنبله ۱۳۹۴.
۷. قانون انسداد قاچاق، منتشره جریده رسمی شماره ۷۹۳، مورخ ۳۰ اسد ۱۳۷۹.
۸. قانون اساسی افغانستان، منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۸، مورخ ۰۸ دلو ۱۳۸۲.
۹. قانون تحدید حکم اعدام، منتشره جریده رسمی شماره ۷۶۳، مورخ ۲۳ حوت ۱۳۷۰.
۱۰. قانون تخم‌های بزری، منتشره جریده رسمی شماره ۱۰۰۵، مورخ ۲۵ قوس ۱۳۸۸.
۱۱. قانون ترافیک جاده، منتشره جریده رسمی شماره ۴۸۴، مورخ ۳۱ جوزا ۱۳۶۰.
۱۲. قانون تنظیم امور جنگلات، منتشره جریده رسمی شماره ۱۰۸۷، مورخ ۲۰ سنبله ۱۳۹۱.
۱۳. قانون تنظیم امور زمینداری، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۵۴، مورخ ۲۶ حمل ۱۳۹۶.
۱۴. قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، منتشره جریده رسمی شماره ۴۶۹، مورخ.
۱۵. قانون جزا، منتشره جریده رسمی شماره ۳۴۷، مورخ میزان ۱۳۵۵.
۱۶. قانون جزا، ضمیمه شماره ۱، منتشره جریده رسمی شماره ۳۹۱، مورخ ۳۰ سرطان ۱۳۵۶.
۱۷. قانون جزا، ضمیمه شماره ۲، منتشره جریده رسمی شماره ۴۹۸، مورخ ۰۱ جدی ۱۳۶۰.
۱۸. قانون جزا، ضمیمه شماره ۳، منتشره جریده رسمی شماره ۵۴۷، مورخ ۱۵ جدی ۱۳۶۲.
۱۹. قانون جزا، ضمیمه شماره ۴، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۴۴، مورخ ۱۰ دلو ۱۳۹۵.
۲۰. قانون جزا، ضمیمه شماره ۵، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۴۴، مورخ ۱۰ دلو ۱۳۹۵.
۲۱. قانون جلوگیری از پول شویی و عواید ناشی از جرایم، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۴۲، مورخ ۰۱ اسد ۱۳۹۳.
۲۲. قانون جلوگیری از تمویل تروریزم، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۴۶، مورخ ۱۷ سنبله ۱۳۹۳.
۲۳. قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی، منتشره جریده رسمی شماره ۸۲۸، مورخ ۳۱ ثور ۱۳۸۳.
۲۴. قانون حمایت از حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۳۰، مورخ ۲۴ میزان ۱۳۹۵.
۲۵. قانون د افغانستان بانک، منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۹، مورخ.
۲۶. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، منتشره جریده رسمی شماره ۸۴۶، مورخ ۰۳ سنبله ۱۳۸۴.
۲۷. قانون علفچر و مرعی، منتشره جریده رسمی شماره ۷۹۵، مورخ ۱۸ جدی ۱۳۷۹.
۲۸. قانون گمرکات، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۳۵، مورخ ۰۴ عقرب ۱۳۹۵.
۲۹. قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی، منتشره جریده رسمی شماره ۹۵۲، مورخ ۲۵ سرطان ۱۳۸۷.
۳۰. قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۴۴، ۱۰ دلو ۱۳۹۵.
۳۱. قانون مبارزه با مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، منتشره جریده رسمی شماره ۱۰۲۵،



- مورخ ۲۴ جوزا ۱۳۸۹.
۳۲. قانون محیط زیست، منتشره جریده رسمی شماره ۹۱۲، مورخ ۰۵ دلو ۱۳۸۵.
۳۳. قانون منع استخدام اطفال در قطعات نظامی، منتشره جریده رسمی شماره ۱۱۴۶، مورخ ۱۷ سنبله ۱۳۹۳.
۳۴. کد جزا، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، مورخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶.
۳۵. نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان، مورخ ۲۰ حمل ۱۳۰۱.
۳۶. نظامنامه اصول محاکمات جزائیه مامورین، مورخ ۲۰ حوت ۱۳۰۲.
۳۷. نظامنامه توقیف خانه‌های و محبوس خانه‌ها، مورخ ۱۳ میزان ۱۳۰۵.
۳۸. نظامنامه جزای عمومی، مورخ ۳۰ جوزا ۱۳۰۶.
- ب: تقریر
۳۹. دانش، محمد سرور، سخنرانی محفل رونمایی کد جزا، کابل، ۲۰ عقرب ۱۳۹۶.